

رویکرد تحلیلی به الگوی شهرسازی سنتی برای ارزیابی ضوابط ساختارمحور تاریخی در مقیاس شهرهای متوسط و میانی (مطالعه موردی: شهر میانه)

کاملیا افتخاری*

چکیده

معماری و شهرسازی گذشته ایران در برگیرنده اصولی است که در دل سنت‌ها نمود یافته و در چند دهه اخیر در اثر گسترش نامتعادل شهرها و گسست سازمان فضایی شهر، شهر سنتی از حقیقت خود فاصله گرفته و چالش‌هایی پیش روی شهرسازی سنتی و شهرسازی مدرن قرار داده است. توجه به رویکرد ساختار فضایی، با احترام به تاریخ و مفاهیم شهرسنتی-ایرانی محتوای اصلی کار است. مسلماً، بهره‌گیری از الگوهای سنتی شهرسازی و بهره‌مندی از تجربیات گذشته، می‌تواند زیربنای خوب و مفیدی برای الگوهای شهرسازی آینده باشد.

ضرورت شناخت مفاهیم شهر سنتی از سویی، شناخت ویژگی‌های فرهنگی، بومی و تاریخی بافت از دیگر سو و نیز معیارهای شناخت استخوان‌بندی می‌تواند ما را به ساخت الگوهای ذهنی رهنمون کند. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به الگویی با خصوصیات سنتی-ایرانی جهت طراحی در بافت تاریخی نمونه موردی شهر میانه و با فرضیه ارتقاء کیفیت محیطی با الگوهای شهرسازی سنتی انجام شد. نوع تحقیق کاربردی بوده و روش آن توصیفی-تحلیلی است. در ابتدا به منظور شناخت ساختار علاوه بر مطالعه پیشینه مجموعه از طریق اسناد کتابخانه‌ای، بررسی سفرنامه‌ها و نقشه‌ها، برداشت میدانی توسط نگارنده صورت گرفت، سپس در راستای سنجش فرضیه برای دو شهر سنتی یزد و سمنان پرسشنامه‌ای تنظیم شد و با پرسشنامه دیگری به بررسی عناصر تأثیرگذار در طراحی بافت کهن شهرستان میانه محله امامزاده پرداخته شد و با آنالیز کامپیوتری شبکه ارتباطی محدوده مورد نظر پژوهش و تحلیل ساختار کهن محلات و شناسایی نقاط مهم بافت، به عنوان دستاورد پژوهش جدول راهنمای ضوابط ساختارمحور تاریخی برای شهرهایی با مقیاس میانی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

شهر سنتی ایرانی، ساختار فضایی، محور تاریخی، فرهنگی، الگو.

* کارشناس ارشد طراحی شهری، مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه ۰۹۱۴۳۲۳۰۶۱۲
Kamelia_eftekhary@yahoo.com

چارچوب تحقیق

شهرهای ایران که در طول دوره‌های تاریخی، با تکیه بر خلاقیت و ابتکارهای ملی به صورت درون‌زا، به رشد و تکامل رسیده بودند، به تدریج طی چند دهه به کلی دگرگون شده و خصوصیات کالبدی، ارزش‌های فرهنگی، ویژگی‌های اجتماعی، هنری و تاریخی خود را از دست دادند. این تحولات باعث ازهم‌گسیختگی بافت قدیم شهرهای ایران شد و به آرامی با پذیرش الگوهای برون‌زا و با گسترش در تمام زمینه‌های تمرکزگرایی، مشکلاتی چون تراکم زیاد جمعیت، آلودگی، حاشیه‌نشینی را در بافت‌های اصیل شهری ایجاد کردند.

شهرهای تاریخی ایران بیان‌کننده گنجینه‌ای از اصول و قواعد طراحی است که در طراحی شهرهای ایرانی، اعم از بخش قدیمی، توسعه‌های شهری یا شهرهای جدید باید با توجه به این اصول شکل‌گیری شهرهای تاریخی و نیز ویژگی‌های فضای شهر ایرانی صورت گیرد (توسلی، ۱۳۹۰: ۱۸).

بدون تردید الگوهای شهری به یکباره به وجود نیامده، بلکه رشد و توسعه کالبدی-فضایی آنها براساس فرآیند تحول و تکامل فرهنگی ساکنان آن به ویژه مدیران شهری شکل گرفته است. برخی روش‌ها از الگوهای شهرسازی سنتی و بومی فاصله گرفته و آنها را انکار می‌کنند ولی واقعیت این است که دوری و عدم توجه به آنها در الگوهای معماری مدرن، موجب عدم موفقیت الگوهای شهرسازی جدید و پیامدهای دیگری شده است. بنابراین برای تحول و تکامل الگوهای شهرسازی و حفاظت از ارزش‌های فرهنگی، شناخت اصول معماری سنتی و شهرسازی گذشته و بهره‌مندی از تجربیات آنها و همچنین بومی‌سازی روش‌های مدرن ضروری است (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۵۶-۲۵۳).

رشد و توسعه ناموزون شهر، باعث گسستگی‌های فضایی و تخریب محیط‌زیست، کاهش امنیت و بی‌هویتی در شهر شده است. عدم توجه به شناخت و بهره‌گیری مناسب از شیوه‌های سنتی و مدرن موجب گسستگی در همه زمینه‌ها شده است. هدف از این مطالعه، بررسی شیوه‌های مناسب و قابل اجرا در برخورد با بافت‌های تاریخی شهرهایی با مقیاس میانی است که درگیر نوزایی درون‌بافتی شده‌اند. اینکه چگونه می‌توان ارتباط منطقی بین این پوسته‌های تاریخی با بافت کهن پسین آنها پیدا کرد، تا از این راه بتوان این مجموعه‌های شهری ارزشمند را در کنار فضاهای نوین، مورد بازخوانی و حفاظت قرار داد.

ابعاد جهانی مسئله

تاریخچه و سیر تکوینی ساماندهی و احیاء بافت‌های قدیمی در جهان با تنوع تجارب جهانی بسیار شایان توجه است. کشورهای مختلف با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و اعتقادات متفاوت، تجارب بسیار ارزنده‌ای در طول تاریخ از خود برجای گذاشته‌اند که نشان‌دهنده هویت هر یک از شهرهای تاریخی در جهان است. این تجارب

با کارهای هوسمان در پاریس و نوشته‌های راسکین و موریس در انگلستان و اقدامات سیت در اتریش آغاز شد. پس از جنگ جهانی دوم خصوصاً بعد از دهه ۱۹۶۰ اتفاقات مهمی رخ داد و اسناد جهانی و منطقه‌ای بسیاری برای تبیین راهبردها و راهکارهای حفاظت و نگهداری از میراث فرهنگی-تاریخی منتشر شد که سبب تغییر جهت روند مرمت شهری در جهان شد. از جمله این اسناد جهانی: منشور کنگره آتن (۱۹۳۱)، منشور ونیز (۱۹۶۴)، قطعنامه کنگره امستردام (۱۹۷۵)، منشور واشنگتن (۱۹۸۷)، معاهده ماستریخت (۱۹۹۲)، منشور فاس (۱۹۹۳)، منشور نارا (۱۹۹۴)، بیانیه سان آنتونیو (۱۹۹۶)، بیانیه استکهلم (۱۹۹۸)، منشور بورا (۱۹۹۹)، منشور کراکف (قرن ۲۱)، بیانیه کازان (۲۰۰۲)، کنوانسیون حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی ناملموس (۲۰۰۳)، منشور حفظ میراث شهری و کشورهای اسلامی (۲۰۰۴)، بیانیه جیان (۲۰۰۵)، بیانیه ورونا (۲۰۰۷)، منشور ایکوموس (۲۰۰۸) (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۱).

فرضیه

بر این اساس صورت‌بندی فرضیه به صورت زیر ارایه می‌شود: "ایجاد محور با رویکرد الگوپذیری از شهرهای سنتی-ایرانی می‌تواند به ارتقای کیفیت محیطی مجموعه کمک کند." در این رابطه با استفاده از معیارهای برگرفته از تحلیل نظرات اندیشمندان در خصوص کیفیت محیطی به آزمون فرضیه مذکور پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

به منظور بررسی فرضیه مذکور ابتدا با تحلیل محتوای متن به بررسی تجاربی چند از نمونه‌های مشابه در مقیاس جهانی و در سطح ایران پرداخته شده و از بررسی رویکردهای مختلف در رابطه با نمونه‌های مشابه ذکر شده، معیارهایی استخراج شد که در خلاصه مرور سوابق نظری در قالب نموداری ارایه شده است (نمودار ۱). با توجه به این معیارها پرسشنامه‌ای جهت آزمون فرضیه تدوین و در دو نمونه مذکور سمنان و یزد توزیع شد. با توجه به نظرسنجی مردم نسبت به ارتقاء کیفیت محیطی با رویکرد توجه به ساختار کالبدی سنتی، تأثیر الگوپذیری از این شهرهای سنتی بر میزان جلب رضایت مردم پررنگ‌تر شده و لذا بررسی آن مورد تأکید پژوهش قرار گرفت.

مقدمه

شهرها مهم‌ترین نشانه‌های تمدن هر ملت به شمار می‌آیند، نشانه‌هایی که قدمت و صلابت ایشان نمادی از اندیشه‌ها، آداب و رسوم، روابط و تعاملات مردم بوده و در عین حال مجموعه در هم تنیده‌ای از عوامل محیطی، جغرافیایی، اقلیمی و آداب و رسوم و آیین‌ها در شکل‌گیری آنها نقش داشته‌اند. شهرهای تاریخی نیز از ارزشمندترین آثار فرهنگی در ایران محسوب می‌شوند. آنها

متفاوت و در هریک عامل مشترک با نمونه موردی، وجود عنصر مذهبی در بافت تاریخی بوده، صورت گرفته است. با توجه به اینکه هریک از این موارد در سطح خود دارای نقاط قوت و ضعف فراوانی بوده، تنها هدف از بررسی این نمونه‌ها نحوه برخورد با مسئله و ارایه اهداف و راهکارهایی در خور این اهداف بوده که در جدول ۱ و ۲ به صورت مقایسه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته است.

مقایسه تجارب احیا در جهان و ایران

بررسی و مقایسه تجارب کشورهای جهان با ایران، نشان می‌دهد که جای تعدادی از اصول احیای مراکز تاریخی جهان، در ایران خالی است. این اصول، موارد زیر را شامل می‌شود:

۱. اجرای عملیات بر مبنای ارتباط مرکز شهر با پیشینه تاریخی آن (پیوستگی جزء با کل)
۲. تنوع اقدامات احیا و هدفمندی آنها در راستای بازگرداندن سرزندگی مراکز شهر به آن
۳. بهره‌گیری از مشارکت مردم در تمام مراحل احیاء
۴. ایجاد سازمانی که ضمانت تداوم و پویایی طرح‌رادر گذر زمان فراهم کند.

جمع‌بندی

نقص اصلی این طرح‌ها رواج یافتن تنها در یک مقطع و بازه زمانی بوده و اینکه پس از مدتی از رونق می‌افتد. با گذشت زمان، اغتشاش و آشفتگی دوباره این مراکز را فرا می‌گیرد. چنین برآورد می‌شود که امروزه تقریباً در تمامی مطالعات مربوط به بازسازی و تجدید حیات مراکز شهری، معابری با اولویت تخصیص به عابرین پیاده با کاربری تجاری مدنظر قرار می‌گیرد. این مسیرها از عواملی به شمار می‌آیند که قادر به تضمین دوام زندگی و در نتیجه پایداری مراکز کهن شهری خواهند بود. نکات قابل توجه برگرفته از تجربیات در سطح ایران شامل موارد زیر است:

- غالب طرح‌های اجرا شده با تکیه بر کاربری تجاری صورت پذیرفته که فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی در محور را افزون می‌کند.
- با تأکید بر حفظ ساکنان، ضمن تقویت جنبه‌های انسانی محیط پیرامونی، از انقطاع حیات مدنی در محدوده مورد نظر و متروکه شدن آن ممانعت به عمل آمده است.
- انتخاب مسیرهای سواره جایگزین و تأمین دسترسی‌ها از طریق وسایل نقلیه عمومی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (حبیبی، ۱۳۸۰: ۴۵).
- از جمله مسائلی که بافت‌های تاریخی همیشه با آن روبرو هستند، احساس ذهنی مبنی بر ویرانگی، عدم تناسب و عدم حیات اجتماعی است. در نمونه‌های مورد بررسی، توجه به تغییر این نوع ذهنیت درباره بافت‌های تاریخی بسیار مهم بوده است.
- توجه به سنت‌های بومی و تقویت ارزش‌های بومی کمتر از مسایل عام فرهنگی و سنتی بوده، مسائلی کلی و فراگیرتر مانند ایجاد غرور شهروندی و هویت فرهنگی، حفظ هویت فرهنگی شهر و میراث

نمودی از پویایی، سرزندگی و تبلور زندگی فعال شهری هستند و به دلیل عدم توجه و ارایه خدمات مناسب، دچار فرسودگی و ضعف شده و در آستانه تهدیدهای مختلف قرار گرفته‌اند که ادامه حیات ایشان را مشکل کرده است. امروزه یکی از مسایل اصلی محور بافت‌های قدیمی در نتیجه ورود تکنولوژی‌های جدید، جهانی شدن و تراکم فضا در طی زمان است که حیات زندگی را در آنها کم‌رنگ کرده و به تبع آن محوشدن زندگی جمعی و حضور مردم در این گونه بافت‌ها را باعث شده است.

توجه به رویکرد ساختار فضایی، با احترام به تاریخ و مفاهیم شهرسنتی-ایرانی محتوای اصلی کار است. این رویکرد به شناخت متن تاریخی و ارزش‌های بافت موجود شهری اتکا می‌کند تا با ارایه ضوابط، ساختار آینده محله را ترسیم کند. این ضوابط می‌تواند دارای ابعاد متنوعی از چگونگی تنظیم مناسبات زیستی، زیرساخت‌های سکونت، طراحی شبکه دسترسی‌ها، روابط اجتماعی و فرهنگی حاکم و همچنین پرداختن به کالبد این بافت‌ها باشد. تعریف ضوابط طراحی در بافت‌های تاریخی، موضوعی بسیار حساس و قابل توجه بوده و با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی، تاریخی این گونه بافت‌ها باید مطرح شود. در عین اهمیت کلیه این جوانب، هدف این مقاله دستیابی و تجمیع ضوابط کلی طراحی و مداخلات معماری و در عین حال ارایه الگویی جهت استفاده آنها در بافت‌های تاریخی شهرهایی با مقیاس میانی است.

نمونه موردی پژوهش یکی از محورهای محلات قدیمی و مهم میانه به نام محله امامزاده و دارای عناصر شاخص مذهبی (امامزاده اسماعیل(ع)، بازار میانه بوده و نماهایی با معماری سنتی و بومی متناسب منطقه دچار نابه‌سامانی دسترسی و اجتماعی شده که پیامد آن کالبدی بی‌روح و فضاهای سنتی عاری از تعاملات اجتماعی است. با توجه به مطالب ذکر شده هدف تعریف ضوابط برای ساختاری است که با استفاده از پتانسیل‌های موجود تاریخی- فرهنگی و با الگوبرداری از چند نمونه شهر سنتی ایرانی، بتواند نقاط بارز سایت را به یکدیگر مربوط سازد.

پیشینه تحقیق

شاید نگاهی کنجکاوانه‌تر و اقداماتی جسورانه‌تر برای پرداختن به ریشه‌یابی دقیق نیازها و امکانات این بافت‌های ارزشمند لازم است تا با بررسی فعالیت‌هایی که تاکنون صورت گرفته و نقد سنجیده آنها به راه‌حل‌های مطمئن‌تر جهت احیای این هسته‌های تاریخی دست یافت. با توجه به گستردگی فضاهای تاریخی شهری در سرتاسر ایران و تنوع آب و هوایی موجود در این پهنه، لزوم مطالعات گسترده امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. با بررسی و جمع‌آوری نمونه‌های مشابه از کشورهای در حال توسعه، همچون حلب و قاهره و قیروان (به دلیل شباهت از نظر شرایط اجتماعی و مسایل مذهبی با ایران) و نمونه‌هایی در سطح ایران همچون محور شیرازی مشهد، محله اسفنجان و ناسار سمنان، محله فهادان یزد و ارومیه که در اقلیم

جدول ۱. جدول مقایسه پروژه‌های داخلی. مأخذ: نگارنده.

Table 1. Table of Iranian projects comparison. Source: author.

پروژه	اسفجان و ناسار سمنان	یزد- فهادان	بازار ارومیه	محور شیرازی مشهد
اقتصادی - ایجاد رونق اقتصادی با استفاده از حضور گردشگران و ایجاد صنایع دستی - ایجاد بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی - تبدیل شهر به کانون جذب فعالیت‌های خدماتی تجاری - عدم توقع بهره‌برداری اقتصادی از محدوده		● ●	●	● ●
اجتماعی - حفظ و احیای ارزش‌های موجود - افزایش تراکم جمعیت بافت - اصلاح ساختار اجتماعی محله با استقرار اقشار با درآمد بیشتر - برنامه‌ریزی برای مشارکت بیشتر مردم محلی - ایجاد کانون فعال شهری - حفظ و بازیابی هویت اصیل شهر - حفظ پیوندهای ذهنی با بافت تاریخی - تجهیز هسته اصلی مرکز شهر	● ●	● ●	● ● ●	● ●
فرهنگی- مذهبی - حفظ ابنیه با ارزش مذهبی بافت - حضور گردشگر برای ارتقاء سطح فرهنگی - بیان سابقه حیات تاریخی شهر - هماهنگی و هم‌پیوندی عناصر کالبدی با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی	●	● ●	● ●	● ● ●
دسترسی - اولویت تردد پیاده - ایجاد تسهیلات دسترسی به اتومبیل - اصلاح بدنه‌های معابر - حفظ امتداد خیابان‌های اصلی موجود در طراحی شبکه - تفکیک سواره و پیاده	● ● ● ●	● ● ●	● ● ● ●	● ●
نوع و روش مداخله بهبودی نوسازی بازسازی حفظ و احیاء	● ●	● ●	●	● ● ●
بستر مداخله	بافت	●	●	●
	مجموعه	●		●
	تک‌بنا	●		
زمینه مداخله	کالبدی	●	●	●
	غیر کالبدی		●	●

«tradition» است. معنی این کلمه در لغتنامه آکسفورد چنین آمده است: «نظر، عقیده رسمی که از پیشینیان به آیندگان دست‌به‌دست شده است.» (The Concise Oxford, 1935: 1353).
تا پیش از دوران مدرن، انسان‌ها در عوالمی زندگی می‌کردند که اشباع از سنت بود. همچنین برای پدیدآوردن نظام شهر سنتی یا بناهای سنتی که از دل جامعه جوشیده و به صورتی طبیعی شکل گرفته روشی کاملاً متفاوت با روش آموزش آکادمیکی و دانشگاهی وجود داشت. این روش شامل سه ویژگی اساسی به شرح ذیل است:
۱. این نظام محصول روشی سنتی در طراحی و ساخت است.
۲. دارای الگوهایی است که تبلور فرهنگ جامعه است، در طول زمان استمرار یافته و دست‌به‌دست گشته و منتقل شده است.

فرهنگی آن، صیانت از هویت و میراث شهری و ادبیات مشابه آن مطرح شده است.
۳. در حوزه فرهنگی مسایلی مانند حفاظت کامل از بافت قدیمی و اعطای نقش عمده به گردشگری، تجدید حیات فضاهای باارزش، باززنده‌سازی و تجدید ارزش نوسازی و مرمت و ... موضوعات مشابهی هستند (وثاق و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷).

مبانی نظری

- موجودیت شهر سنتی

پیگیری تاریخچه پیدایش و استفاده از واژه سنت در جامعه، به دوران پس از مدرن می‌رسد. مترادف انگلیسی کلمه «سنت»، واژه

جدول ۲. جدول مقایسه پروژه‌های خارجی. مأخذ: نگارنده.

Table2. Table of foreign projects comparison. Source: author.

پروژه		بافت تاریخی قاهره	بافت تاریخی حلب	برنامه مرمت شهر قیروان
اهداف	اقتصادی	● ● ●	● ●	● ●
	اجتماعی	● ●	●	● ●
	فرهنگی-مذهبی	● ●	● ●	● ● ●
راهکار	دسترسی	● ●	●	● ●
	مداخله	● ● ● ●	● ●	● ●
بستر مداخله		بافت	●	●
		مجموعه		●
		تک‌بنا		
زمینه مداخله		کالبدی	●	●
		غیر کالبدی	●	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳. با امر قدسی مرتبط و گونه‌ای بارزش و با معناست (صادقی‌بی، ۱۳۸۸: ۱۴) شهر سنتی همانند شهرهای حوزه‌های تمدنی با استفاده از شیوه‌های شهرسازی تمدن‌های مغلوب و با انکا به شکل و الگوی فرهنگی شهرسازی جدید ویژگی‌هایی دارد که وجوه اشتراک زیادی با یکدیگر دارند. خصایص شهر سنتی در سه قلمرو اقتصادی، کالبدی، اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند که برخی از این خصایص دارای تبلور ظاهری نظیر بازار، ارگ و قلعه و محله هستند (پوراحمد، موسوی، ۱۳۸۹: ۲).

فضاها کالبدی در شهرهای سنتی، به شیوه‌های متعدد از فضای اندیشه حاکم بر آن متأثر بوده است. فضای کالبدی بیشتر شهرها متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است. از سوی دیگر، مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و میانی فکری و مبادی صوری، مفاهیم و تصاویری برخاسته از آیین‌ها، اسطوره‌ها و صورت‌های مثالی اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری فضاها کالبدی نمود یافته است (خدایی، تقوایی، ۱۳۹۰: ۶) ساختار شهرهای سنتی ایرانی نشان از تطبیق کامل استخوان‌بندی و سازمان فضایی شهرها با آداب جمعی دارد.

ساخت اصلی شهر سنتی و عناصر تشکیل‌دهنده آن تاکنون به صور متفاوتی تفسیر و تبیین شده است. اجزا و عناصر کالبدی شالوده اصلی شهر از دو گروه عناصر مصنوع (ساختمان‌ها و مساجد و شبکه راه‌ها) و عناصر طبیعی (رودخانه و تپه‌ها و ...) تشکیل شده‌اند. ساختار کالبدی استخوان‌بندی اصلی شهر و به عبارت دیگر

بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری ساختار شهر سنتی ایرانی
ساختار و شالوده اصلی شهر سنتی بستری است که از طریق آن می‌توان به بسیاری از اصول و مفاهیمی دست یافت که معماران در ساخت بناهای عمومی و خصوصی در نظر داشته و پیکره شهر را بر آن اساس شکل داده‌اند. در شکل‌گیری و استخوان‌بندی شهر سنتی عوامل متعددی تأثیرگذار بوده، بدون شک شکل‌گیری

عوامل استخوان‌بندی محله و خلق فضاهای نو در لابه‌لای آن امکان‌پذیر است. فضاهای نو مانند نیروهای پیونددهنده‌ای عمل می‌کنند که نظام تعاملی هم‌زمان و در زمان را ایجاد کرده و عناصر استخوان‌بندی را سازمان می‌دهند. نمونه‌ای از این الگوها الگوی چهارباغ در اصفهان است که می‌تواند با اصول بنیادی‌اش برای تمامی محورهای اصلی شهرها الگوسازی کند. این چنین فضاهایی می‌توانند با به کارگیری روش‌های عملی که نکات الگویی زیر را در بر دارند، خلق شوند: و به این ترتیب شناسایی آنها توسط ساکنان و عابران به راحتی صورت گرفته و محله به محله‌ای آشنا بدل خواهد گشت که هویت فرد در آن مقیاس مفهوم می‌یابد.

ایجاد، تقویت و تداوم محور اصلی

- ایجاد شبکه‌ای از مراکز بر حسب سلسله‌مراتب فضایی کالبدی
- ایجاد نمادهای مرتبط با یکدیگر (هماهنگ و در عین حال متباین)
- ایجاد وحدت پیمون‌بندی شده در شکل معماری
- ترکیب وحدت‌گرایانه
- خلق فضاهای تسهیل‌کننده روابط اجتماعی
- نهادینه کردن سلسله‌مراتب فضایی
- ایجاد گذر پیاده (حیبی، ۱۳۸۲: ۳۷)

- معیارهای انتخاب محور با هویت تاریخی و فرهنگی

در شهر سنتی، راه‌ها از جمله عناصر مهم و مؤثر در شکل‌دهی نظام ساختاری شهرها به شمار می‌روند. راه یک خط ضمنی است که به عنوان اصل سازماندهی به کار رفته و چون با ابزار بصری انسان در ارتباط است اشاره به عناصر ترکیب‌شده دارند (گاستون، ۲۰۰۵: ۱). محورهای هر شهر از جمله فضاهایی‌اند که شهروندان هر روزه بدون استثنا همواره با آن در ارتباط بوده و شروع و خاتمه زندگی شهری آنها از طریق همین فضاهاست. اولین فضایی است که کودکان پس از خروج از خانه، زندگی اجتماعی را در آن تجربه می‌کنند و مرادوات اجتماعی در آن صورت می‌گیرد در نتیجه اولین و مهم‌ترین فضاهای فرهنگ‌ساز است (پاکزاد، ۱۳۸۳: ۱۱۸).



تصویر ۱. نظام سلسله‌مراتبی در ساختار فضایی شهر. طبیبیان، ۱۳۹۰: ۶۸
Fig. 1. The hierarchy of urban spatial structure. Source: Tabibian, 2012:68.

سازمان‌یابی اجزای اصلی آن در الگوهای متفاوتی صورت می‌پذیرد. این الگوهای متفاوت به صورت هندسی و منظم دارای فرم‌های غیرمنظم و اندامواره‌اند. هریک از این الگوهای انتظام‌بخش، متضمن نوعی خاص از قابلیت رشد و تغییر و تجدید شالوده شهر هستند (حمیدی، ۱۳۷۶: ۱). استخوان‌بندی شهر چون در جریان سیر تحول آن شکل می‌گیرد لذا عنصری پویا و هویت تاریخی آن محسوب شده، پیونددهنده عناصر برجسته و نشانه‌های شهری است و می‌تواند خود به یک ساختار مؤثر و نمادین تبدیل شود. در شهرهای سنتی ایران می‌توان انواع مختلفی از سازماندهی مجموعه‌ای را مشاهده و به طور کلی براساس دو قاعده دسته‌بندی کرد: ب) براساس نوع ساختمان‌ها و کاربری آنها مانند مجموعه خانه‌های مسکونی، مجموعه بازار به عنوان مرکز شهر، مجموعه مذهبی (غفاری، ۱۳۷۳: ۳۷).

در شهرهای سنتی ایرانی، نظام سلسله‌مراتبی ساختار کالبدی شهر بدین صورت بوده که استخوان‌بندی اصلی در مرکز شهر، محله‌های مسکونی در پیرامون آن، باغ‌ها و مزارع در حواشی محله‌های مسکونی و سپس احاطه کل شهر با حصار بوده است (تصویر ۱)؛ (طیبیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۸).

به طور کلی برای شهرهای سنتی ایران، پنج عنصر اصلی مورد شناسایی قرار گرفته که عبارتند از:

۱. عناصر مذهبی شامل مسجد، تکیه و حسینیه.
۲. ارگ شهر (عناصر حکومتی) جایگاه مرکز حکومتی، دیوان‌خانه‌ها و مقر عمده نظامیان در شهر.
۳. عناصر تجاری، بازرگانی، بازار شهر، مراکز اقتصادی و مالی، شامل منزلگاه‌ها، کاروان‌سراها، تیمچه‌ها و قیصریه‌ها.
۴. محلات شهر (محلات مسکونی).
۵. گذرهای اصلی (توسلی، ۱۳۸۱: ۲۴).

- ماهیت الگوها در شهر سنتی

الگوها یکی از مبانی لازم برای ارتباط‌دادن راه‌حل‌های طراحی با انسان‌اند. نقض الگوها رابطه فرم‌های ساخته‌شده را با مردم قطع می‌کند، سازنده فرم در فرهنگ سنتی هر جامعه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کند. از دست‌دادن الگوهای معماری خسارت جبران‌ناپذیری بر شیوه عملکرد یک جامعه وارد می‌آورد، خصوصاً در جوامع روستایی سنت‌ها تنها راه حراست از فرهنگ هستند. سنت‌ها دربرگیرنده راه‌حلهایی‌اند که توسط افراد زیادی در طول زمان به تدریج شکل گرفته‌اند، بنابراین الگوهای طراحی با شیوه معیشت و زندگی مردم مرتبطند و الکساندر به این نکته تأکید بسیار زیادی داشته، همچنین حسن فتاحی نیز به صورت مفصلی در این زمینه سخن گفته است (Fathy, 1973: 24-27). طراحان حساس و هوشیار سعی می‌کنند با طرح‌هایشان الگوهای اجتماعی را پرورش داده و با آنها هماهنگ باشند. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان تصور کرد که الگوپذیری و سازماندهی شهر از طریق شناسایی

- وجود ساختار همگن کالبدی- فضایی در هر محله و قابل درک بودن تغییرات آن از یک محله به محله دیگر
- ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی همسان میان ساکنان هر محله و وجود ساختار همگن به لحاظ شاخص‌های توسعه

شناخت و تحلیل محله امامزاده در مقیاس شهری

امر حیاتی در هر نوع طراحی (جزیی، کلی، موضعی، موضوعی) در بافت تاریخی، کشف ساختار فضایی و ارتباطات و هماهنگی‌های فضایی موجود است. بر این اساس در پژوهش حاضر با توجه به کارکرد مناسب بافت محله تلاش بر آن است که طراحی بر پایه ساختار فضایی صورت گیرد، از نرم‌افزار space syntax استفاده شده است. با هدف تشخیص ساختار اصلی، محدوده‌ای از طراحی در نظر گرفته شده است (تصویر ۲). نقشه تحلیلی به دست آمده (تصویر ۳) نشانگر این امر بوده که خیابان امام خمینی که از میدان آزادی آغاز شده و مسیر مستقیمی را تا بلوک امامزاده طی می‌کند واجد بیشترین حجم رفت و آمد و هم پیوندی است (با رنگ قرمز در نقشه مشخص شده)، شرایط عینی و مشاهده شده در سایت نیز حاکی از این امر است که بیشترین رفت و آمد در این محدوده از مسیر مذکور صورت گرفته و با توجه به تطابق با شرایط موجود، این تحلیل قابل اعتماد تشخیص داده می‌شود. هرچه میزان رفت و آمد در مسیری بیشتر باشد یعنی افراد در انتخاب مسیر خود آن را ارجح می‌دانند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که مسیر مورد نظر ساختار اصلی بافت را شکل خواهد داد. بنا بر این یافته‌ها ساختار اصلی بافت محله بازار-امامزاده اسماعیل(ع) از میدان آزادی شروع و با خیابان امام خمینی به میدان جمهوری می‌رسد. این مسیر به دلیل حضور عناصر تاریخی بازار و منار امامزاده، عنصر اصلی استخوان‌بندی

محور گذری باید مملو از نماد و نشانه شهری، برای شناساندن هرچه بیشتر مسیر باشد. این نمادها یا برگرفته از کالبد موجود هستند و یا براساس شرایط موجود و ارزش‌های بافت تعریف می‌شوند. کیفیت ادراکی و بصری طراحی معبر در شهرهای سنتی ایران اغلب به طور مستقیم با معیارهای اقتصادی و اجتماعی برای ساخت شهرهای خوب در ارتباطند از قبیل دسترسی، اجتماع مردم، عمومیت داشتن سرزندگی، ایمنی، راحتی، آسایش اقلیمی، تعریف‌پذیری، چشمان مراقب، ترکیب بدنه‌ها، پیوستگی، جزییات، عقب‌نشینی، طاق‌نما، تباين (حبیبی، ۱۳۹۱: ۴۸).

جهت مشخص کردن محورهای پیشنهادی باید به شاخص‌هایی توجه شود این شاخص‌ها عبارتند از:

۱. دسترسی: وجود پایانه‌های مهم اتوبوس و تاکسی
 ۲. قدمت: منطقه، تاریخی به قدمت عمر شهر داشته و اغلب حوادث دوره‌های تحول شهر در این محورها رگم خورده باشد.
 ۳. جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی
 ۴. عناصر خاطره جمعی
 ۵. سیمای شهری: سیمای تاریخی شهرها که شامل: بناها، یادمان‌ها، پیاده‌راه‌ها و ... است.
 ۶. امکانات رفاهی: وجود چندین رستوران و شرایط نسبتاً مناسب برای پذیرایی میهمانان و اهالی شهر.
- طبق گفته لینچ مسیرها در ذهن شهروندان به صورت محورهای خطی پویا شکل می‌گیرد که حرکت در آن امکان‌پذیر است.

محدوده پژوهش

از آنجایی که میانه بر سر راه تهران- تبریز واقع شده و از قدیم‌الایام جاده ابریشم و بعد از آن جاده ترانزیت ایران اروپا از آن می‌گذشته، به علاوه قرارگرفتن آن در جوار راه مواصلاتی راه‌آهن سراسری، ملقب به دروازه آذربایجان شده است که این شهرستان را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار ساخته و به دلیل قدمت تاریخی مذکور و وجود عنصر تاریخی و مذهبی امامزاده اسماعیل (ع) به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است.

معرفی محدوده

محله بازار-امامزاده اسماعیل (ع) میانه: شهرستان میانه، در شمال غربی ایران و جنوب شرقی استان آذربایجان شرقی قرار گرفته و با ۱۹۴۰۰۰ نفر جمعیت و مساحت ۳/۵۵۹۵ کیلومتر مربع از مجموع مساحت ۴۵۱۶۲ کیلومتر مربعی استان، یکی از ۱۶ شهرستان آن به شمار رفته و به عنوان پهناورترین شهرستان استان آذربایجان شرقی محسوب می‌شود. براساس تقسیمات طرح تفصیلی مصوب ۱۳۷۷ این شهر از ۸ ناحیه و ۳۱ محله تشکیل شده است.

دلایل انتخاب مقیاس مذکور در این تحقیق به شرح زیر است:

- وجود دو عنصر لنگرگاهی بازار و امامزاده



نمودار ۱. معیارهای استخراج شده از مبانی نظری. مأخذ: نگارنده.

Diagram 1. Criteria derived from theoretical basics. Source: author.



تصویر ۲. محدوده مورد مطالعه. مأخذ: نگارنده.

Fig.2. The study area. Source: author.

تاریخی بافت به شمار آمده و محور تاریخی نامیده می‌شود. پس از این مسیر، محور خیابان امام خمینی-گذر سرچشمه واجد بیشترین هم‌پیوندی است که محور تاریخی-فرهنگی نام می‌گیرد.

کاربرد روش SWOT در شناخت و تحلیل محله در مقیاس محلی
در این مقیاس فرایند شناخت و تحلیل از طریق اطلاعات و نقشه‌های پایه و تهیه جدول SWOT صورت گرفته است که بخشی از آن به صورت تحلیل بر روی نقشه ارایه شده است (تصویر ۴).

تحلیل یکپارچه (تصویر ۵)

- فرصت‌ها:
- تزریق فعالیت و سرزندگی از لبه‌های حوزه به بافت درونی آن
- ایجاد کانون شهری شاخص در مقابل امامزاده و بازار
- تهدیدها:
- افزایش ناامنی در بافت شهری پشت امامزاده
- افت هویت تاریخی و مذهبی حوزه
- نقاط قوت:
- قرارداشتن امامزاده اسماعیل در بطن حوزه به عنوان کانون فعالیتی مذهبی
- وجود محور فعال و سرزنده امام خمینی و سرچشمه
- هم‌جواری با بازار به عنوان کانون فعالیت
- نقاط ضعف:
- عدم تطابق کالبد محیط با رفتارهای جاری و کمبود فضای شهری قطع
- رابطه امامزاده با بافت از ناحیه پشت امامزاده به دلیل وجود اختلاف سطح

ارایه ضوابط

اهداف و معیارها:

هدف از این پروژه، بازگرداندن مجموعه مذکور به چرخه زندگی شهری و برقراری ارتباط تأثیرگذار میان پتانسیل‌های موجود آن است. به طور کلی برای دستیابی به فضایی همساز با بستر، به جستجوی الگوهای اقلیمی و الگوهای مطلوب دسترسی، الگوی مطلوب استقرار نظام کاربری و الگو و فرم مطلوب فضای شهری باید روی آورد که حاصل تجربیات هزاران ساله گذشتگان است. همچنین از آن در باززنده‌سازی بافت‌های قدیم شهری بهره جست و با استفاده از مواهب طبیعی و زیرساخت‌های اقلیمی متناسب با محیط پیرامون به حفظ و احیاء آن همت گماشت. با الهام از این الگوها راهنمای ضوابط ساختار محور تاریخی جدول ۳ ارایه می‌شود.



تصویر ۳. تحلیل محدوده مورد مطالعه. مأخذ: نگارنده.

Fig. 3. The analysis of the studied area. Source: author.



تصویر ۴(ج). شناخت محدوده مورد مطالعه. مأخذ : نگارنده.

Fig. 4c. Understanding the study area. Source: author.



تصویر ۴ (الف). شناخت محدوده مورد مطالعه. مأخذ : نگارنده.

Fig. 4a. Understanding the study area. Source: author.



تصویر ۵. تحلیل یکپارچه مورد مطالعه. مأخذ : نگارنده.

Fig. 5. Integrated analysis of the study. Source: author.

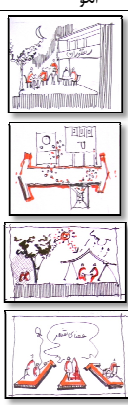
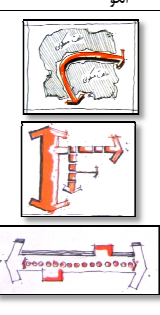
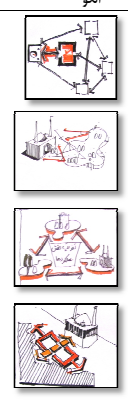


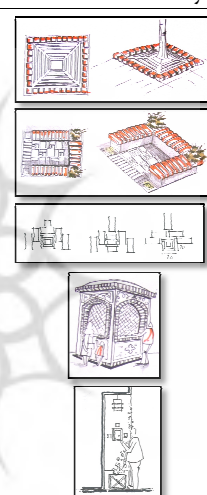

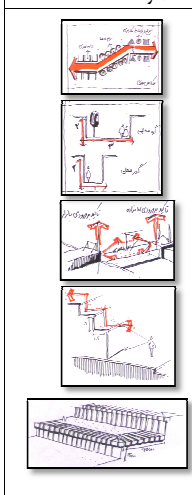
تصویر ۴(ب). شناخت محدوده مورد مطالعه. مأخذ : نگارنده.

Fig. 4b. Understanding the study area. Source: author.

جدول ۳. جدول راهنمای ضوابط. مأخذ: نگارنده.

Table 3. Table of Guide lines. Source: author.

سیاست	ضوابط	الگو	سیاست	ضوابط	الگو			
سیاست زمین	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد کاربری‌های فعال مشابه که سرزندگی حوزه را در شب موجب شود. تأمین خدماتی نظیر پارکینگ جهت فراهم‌آوردن سهولت مراجعه مردم به این مکان تأمین فضای سبز جهت مطلوب‌تر ساختن محیط و تلفیق فضا برای مردم تسهیلات لازم جهت حضور و فعالیت مستمر کودکان، زنان، سالمخوردگان و ... باید تقویت شود. 		سیاست حرکت و دسترسی	<ul style="list-style-type: none"> ممانعت از شکافته شدن بافت مسکونی توسط خیابان‌کشی برشی تنظیم نظام سلسله‌مراتبی در بافت مسکونی جهت تأمین آسایش سکونتی هدایت مقصدی سواره و پیاده به نقاط فعال درون بافت و تأمین پارکینگ برای سواره و تأمین تسهیلات فضای شهری برای پیاده 		سیاست فضاهای همگانی	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد شبکه‌ای از فضاهای همگانی به گونه‌ای که نحوه ارتباط و اتصال میان آنها موجب تقویت نقش و عملکردشان شود. تعریف مراکز محله به گونه‌ای که امکان حضور همسایگان و برقراری تعاملات اجتماعی را فراهم آورد. هدایت سلسله‌مراتبی شبکه فضاهای همگانی محلی به اطراف امامزاده برقرار ساختن ارتباط میان امامزاده از سمت دیوار پشت امامزاده با بافت توسط فضای شهری 	

سیاست	ضوابط	الگو	سیاست	ضوابط	الگو		
مبلمان	<ul style="list-style-type: none"> شبکه محافظ درختان باید با کف‌سازی پیرامون هماهنگ باشد. به جای استفاده از نیمکت باید از سکوهایی که با دیگر مبلمان ادغام می‌شوند (به عنوان مثال با گلجاسی، چداره، نورپردازی و ...) استفاده کرد. در گرما به جای آسردکن باید از سفاخانه استفاده کرد. محل نصب چراغ‌های دیوار کوب باید کاملاً طراحی شده و به عنوان جزئی از چداره باشد نه الحاق به آن. محل نصب الحاقات ورودی نظیر آیفون، صندوق پستی و ... در چداره ورودی باید تعریف و طراحی شده باشد. 		سیاست فرم کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد تنوع در محورهای حرکتی کنترل محوریت فضایی توسط تنظیم ارتفاع مناسب چداره‌های تعریف‌کننده فضاهای همگانی تعریف خط آسمان در کریدورهای بصری حوزه‌های ورودی امامزاده و بازار به گونه‌ای که بر ورودی‌های آن تأکید کند. در مرکز زیر محلات و گرما، لایه دوم و سوم به بعد با رعایت ویژگی بلکانی می‌توانند افزایش ارتفاع به اندازه یک طبقه داشته باشند. الگوی رج‌چینی مصالح در کف پله با پیشانی پله باید متفاوت ولی هماهنگ و برگرفته از الگوهای کهن باشد. در قاب‌بندی چدارها باید از ترکیب الگوهای کهن موجود در بافت استفاده کرد. 		الگو	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتیجه‌گیری

بافت‌های تاریخی، بخشی از پیکره و بدنه شهر و دارای ارزش‌های کالبدی، عملکردی اقتصادی و فرهنگی‌اند، آنچه مسلم است محیط طبیعی تأثیرات فراوانی بر روی کالبد بافت قدیم شهری و نحوه شکل‌گیری آن به جا گذاشته است؛ به طوری که می‌توان ردپای آن را در نوع مصالح، معماری، شبکه معابر، نحوه استقرار و تمهیدات به کار رفته در بناهای کاربردی بافت قدیم شهری به خوبی دریافت. در ساخت مورفولوژیک شهر و خیابان‌ها، عامل فرهنگ و ایدئولوژی نظام حاکم یعنی به بیانی تفکرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی دینی و نظامی نقش مهمی ایفا می‌کنند. با توجه به اهمیت و ارزش بافت تاریخی و مطالعات انجام شده، آنچه از مطالعات انجام شده می‌توان نتیجه گرفت این است که، با شناسایی روش اساسی و شیوه درست مداخله در بافت‌های تاریخی از طریق پی‌جویی پیشینه دخالت‌های انجام گرفته در دوره‌های مختلف تاریخی، می‌توان شکل‌گیری، فرم و استخوان‌بندی و حیات بافت را شناسایی و با بررسی ارتباط قوی بین سه عملکرد اصلی تجاری، مذهبی و حکومتی شهر سنتی الگوهای را ارائه کرد. این الگوها در راستای مبارزه با روند شهرسازی رایج کنونی می‌تواند باشد که بسیاری از عملکردهای مذکور را شکافته و صمیمیت و مقیاس انسانی فضاهای شهری اصیل ایرانی را به تسخیر خود درآورده تا شاید بتواند به ادامه حیات این بافت کمک کند. به طور کلی برای دستیابی به فضایی همساز با بستر خود به جستجوی الگوهای اقلیمی و الگوهای مطلوب دسترسی باید روی آورد که حاصل تجربیات هزاران ساله گذشتگان است، همچنین از آن در باززنده سازی بافت‌های قدیم شهری بهره جست و با استفاده از مواهب طبیعی و زیرساخت‌های اقلیمی متناسب با محیط پیرامون به حفظ و احیاء آن همت گماشت. در پایان هم با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و بیان محدودیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در بافت به ارائه راهنمای ضوابط طراحی در ارتباط با این نکات پرداخته شد: ۱. حفظ شکل ارگانیک / تقویت ارتباط بازار با فضای جلوخان امامزاده اسماعیل ۳. تأثیرپذیری کالبدی و معنایی فضاهای جدید از ویژگی‌های فضاهای قدیمی / ۴. استفاده از الگوی موجود و مفاهیم الگوسازی ساخت و ساز معماری گذشته مطابق بافت همچون اصول چهارباغ شهرهای سنتی ۵. شکل محور با توجه به جهت‌گیری امامزاده.

فهرست منابع

- پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۴. راهنمای طراحی فضای شهری در ایران. تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما: وزارت مسکن و شهرسازی.
- پور احمد، احمد و موسوی، سیروس. ۱۳۸۹. ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۲): ۱۲-۱۰.
- تقوایی، علی اکبر و خدایی، زهرا. ۱۳۹۰. شخصیت شناسی شهر اسلامی با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۵): ۱۱۳-۱۰۳.
- توسلی، محمود. ۱۳۸۱. اصل ارتباط در طراحی شهری. نشریه هنرهای زیبا، (۱۴): ۳۸-۳۲.
- توسلی، محمود. ۱۳۹۰. ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران. تهران: پیام.
- حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه. ۱۳۸۱. مرمت شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن. ۱۳۹۱. مسیر پیاده گردشگری. نشریه هنرهای زیبا، (۹): ۵۱-۴۳.
- حبیبی، سیدمحسن. ۱۳۸۲. چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان بندی محله. نشریه هنرهای زیبا، (۱۳): ۳۸-۳۲.
- حمیدی، ملیحه. ۱۳۷۶. استخوان بندی شهر تهران، چاپ اول. تهران: شهرداری تهران.
- حناچی، پیروز و دیگران. ۱۳۸۶. بررسی تطبیقی مرمت شهری در ایران و جهان (با نگاه ویژه به بافت تاریخی شهر یزد)، چاپ اول. تهران: انتشارات سبحان نور با همکاری پایگاه میراث فرهنگی یزد.
- شمعی، علی و پوراحمد، احمد. ۱۳۸۴. بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. تهران: دانشگاه تهران.
- صادقی، ناهید. ۱۳۸۸. تأملی در معماری سنتی. نشریه صفا، (۴۸): ۱۶-۷.
- طبیبیان، منوچهر و نصیبی چربگو و انسیه عبداللهی مهر. ۱۳۹۰. بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی-اسلامی. مجله آرمان شهر (۷): ۷۶-۶۳.
- غفاری سده، علی. ۱۳۷۳. سازمان فضایی در معماری و شهرهای سنتی ایران. نشریه صفا، (۱۶ و ۱۵): ۳۷-۲۶.
- وثاق حجت و شایان، حمیدرضا و کامل نیا، حامد. ۱۳۸۹. نقش و جایگاه معیارهای اجتماعی در تحقق پذیری مرمت بافت‌های بارزش تاریخی، فصلنامه آبادی، ۲۰ (۳۲): ۲۴-۱۸.

Reference list

- Alexander, C., et al. (1977). *A Pattern Language*. New York: Oxford University Press.
- Fathy, H. (1973). *Architecture for the Poor*. Chicago Steen, L: University of Chicago Press.
- Steen, L. A. (1988). The Science of Patterns. *Science*, 240(4852): 611-616.
- Gaston, G. (2005). *The Axis in Urban Design*. Zurich: Nashville Civic Design Center.
- Ghaffari sade, A. (1994). Spatial organization of architecture and traditional cities of iran. *Journal of soffe*, (15-16):26-37.
- Habibi, M. (2004). How modeling and reorganization of neighborhood structure. *Journal of Honar- ha-ye-Ziba*, (13):32-38.
- Hanachi, P., et al. (2008). *A comparative study of urban restoration in the Iran and world* (with a special focus on the historical of Yazd). Tehran: Sobhan nor press. partnership with Yazd Cultural Heritage Base.
- Hamidi, M. (1998). *Structure of Tehran*. Tehran: Tehran municipality.
- Habibi, M. & Maghsodi, M. (2003). *Urban Restoration*. Tehran: University of Tehran.
- Habibi, M. (2013). Tourist walking path. *Journal of Fine Arts*, (9): 43-51.
- Pakzad, J. (2006). *Urban Development in Iran*. Ministry of Housing and Urban Development. Tehran: Tarh va nashr- e payam- e sima of company.
- Pour ahmad, A. & Mousavi, S. (2011). The social nature of the Islamic city. *Journal of Studies On Iranian - Islamic City*, (2): 1-12.
- Sadegh pey, N. (2010). Advisement on the traditional architecture. *Journal of soffe*, (48):7-16.
- Shamai, A. & Pour ahmad, A. (2006). *Improvement and rehabilitation From the viewpoint of geography*. Tehran: Tehran University Press.
- Tabibian, M., Charbgoo, N. & Abdollahi mehr, E. (2012). Reflect the principle of hierarchy in Iranian-Islamic. *Journal of arman shahr*, (7):63-76.
- Taghvai, A. A. & Khodai, Z. (2012). The Character recognition of Islamic cities, with emphasis on the physical aspects of Islamic city. *Journal of Studies On Iranian - Islamic City*, (5):103-113.
- Tavassoli, M. (2003). The Relationship in urban design. *Journal of Honar- ha-ye-Ziba*, (14): 32-39.
- Tavassoli, M. (2012). *Architecture and City building in warm and dry climate of Iran*. Tehran: Payam.
- Vosagh, H., Shayan, H. R. & Kamelnia, H. (2011). Examine the role of social norms in the implementation of Restoration of the historial value. *Journal of Abadi*, (32):18-24.

Analytical Approaches to Traditional Urban Patterns for Providing a Guideline of the Historic Axis Structures of Middle Cities (Case study: Miyaneh city)

Kamelia Eftekhary*

Abstract

Cities are prominent signs of civilization in every nation. The signs, old symbol of ideas, customs, relationships and interactions of people have played a role in the formation of cities and intertwined a set of environmental, geographic, climatic, traditional and religion combination. Historic cities in Iran are the most valuable cultural heritage that expresses the dynamism, vitality and symbol of urban life.

Architectural and urbanity of ancient Iran includes principles that have been manifested in the heart of the tradition. In recent decades, due to unbalanced expansion of cities and discontinuity of spatial organization, and arrival of new technologies, globalization and the space density, traditional city is far from its truth and it has created challenges for traditional urbanism and modern urbanism. Therefore, the main content of this paper includes spatial structure approach, respecting the history and concepts of Iranian traditional city. Certainly, utilizing traditional patterns and benefiting from past experiences could be a good and useful foundation for urban development patterns in the future. Searching climatic patterns and patterns of access based on traditional experiences can lead us to achieve harmony with the environment. The necessity of understanding the concepts of traditional city, cultural features, indigenous and historical context and criteria for recognition for structure can result into creation of objective models. This research tries to achieve the traditional Iranian pattern for design of historical context in Miyaneh city. The hypothesis of this study is to improve the environmental quality of traditional urban patterns through studying traditional patterns. The study method is, descriptive-analytic with use of practical subject and data. The initial recognition of structure was reviewed through library documentations, travelogues, maps and the data were completed by the direct information obtained by the author. Finally, two sets of questionnaires were prepared for Yazd and Semnan in order to evaluate the hypothesis. Other questions were designed to assess the influence of the old context in the neighborhood shrine in Miyaneh.

The guideline of the historic axis for middle cities was presented by analysis of the old structure and identification of key areas of context, as the result of the identification of key areas of context, as the result of the study.

Important points of the guideline are as follows:

- Organic Maintenance
- Strengthen the relationship between the forecourt and bazaar
- Unaffected new spaces of physical and semantic features of the old spaces
- Using an existing model and concepts of architecture modeling based on context as the Chahar Bagh principle of traditional cities
- Consideration of the shrine axis orientation

Keywords

Traditional Iranian city, Spatial structure, Historical-Cultural axis, Pattern.

*. M.A. in Urban Design, Lecturer at Islamic Azad University, Miyaneh Branch, kamelia_eftekhary@yahoo.com